

پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی موانع اجرای قوانین اقتصاد اسلامی در جامعه از منظر قرآن و نهج البلاغه

۱. محمود پذیرش: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. حامد فتحعلیانی\*: استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران. پست الکترونیک: [hmdftln@gmail.com](mailto:hmdftln@gmail.com)

(نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

### چکیده

بررسی موانع اجرای احکام اقتصادی دین اسلام از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه موضوعی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی موانع نظری و عملی در حوزه احکام اقتصاد اسلامی از نگاه کلام نورانی وحی (قرآن کریم) و نهج البلاغه است. به طور کلی، می‌توان گفت که بخشی از این موانع در حوزه معرفت‌شناسی مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اقتصاد اسلامی به عنوان یک مکتب اقتصادی، از یک نظام اجتماعی عدالت محور ملهم از آموزه‌های وحیانی گرفته شده و به عنوان یک مذهب اقتصادی با سایر مکاتب اقتصادی که بر اساس یک معرفت بشری موسوم به علم اقتصاد پایه‌ریزی شده‌اند، متفاوت است. بدیهی است که این تفاوت در حوزه معرفت‌شناسانه، به معنای عاری بودن آن از نقایص و ایراداتی است که ممکن است در حوزه نظری دانش بشر (علوم اقتصادی) رخ دهد. بخش دیگری از این موانع در حوزه عملیاتی نمودن قوانین اقتصاد اسلامی است که به عنوان سدی در مسیر اجرای این قوانین ظاهر شده و مانعی در مقابل پیشبرد اجرای احکام اقتصاد اسلامی در حوزه اجرایی و عملیاتی محسوب می‌شود. از آنجا که دین مبین اسلام، قرآن کریم و سنت معصوم همه شئون وجودی انسان، از جمله معاش و زندگی مادی او را نیز در برمی‌گیرند، پاسخگویی به چالش‌هایی از این دست یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. پژوهشگر در این مقاله به دنبال بررسی این موضوع بر اساس آیات الهی در قرآن کریم و سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله نیز توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. **واژگان کلیدی:** قرآن کریم، نهج البلاغه، موانع اقتصادی، حوزه معرفت‌شناختی، حوزه عملیاتی و اجرایی.

پذیرش، محمود، فتحعلیانی، حامد، و حسینی، سید حمید. (۱۴۰۲). بررسی موانع اجرای قوانین اقتصاد اسلامی در جامعه از منظر قرآن و نهج البلاغه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۱۶-۱.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.





آسیب‌شناسی موانع اجرای احکام اقتصاد اسلامی، همانطور که در بالا اشاره شد، از دو جهت قابل بحث و بررسی است. قسم اول در حوزه نظری مبانی اقتصاد اسلامی قابلیت بررسی و کنکاش دارد و قسم دوم در حوزه اجرا و عملی نمودن احکام اقتصاد اسلامی در جامعه اسلامی باید بررسی گردد. متفکرین و اندیشمندان اسلامی در باب حوزه معرفت‌شناختی، نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند که ماحصل آن‌ها چنین استنباط می‌شود که مبانی اقتصاد اسلامی که از یک نظام اجتماعی عدالت‌محور ملهم از آموزه‌های اسلامی گرفته شده، خالی از هرگونه اشکال و ایرادی است، چراکه از منبع زلال وحی (قرآن کریم) و سیره معصوم (ع) منبع گردیده و از آنجا که خدای متعال کمال محض است، احکام و قوانینش نیز از هر نوع نقص و ایرادی مبراء است و اگر در اقتصاد اسلامی مشکلاتی هم وجود دارد، ریشه‌اش در حوزه عملیاتی و اجرایی مطرح می‌شود. با ذکر این مقدمات، پژوهشگر در این مقاله به دنبال آسیب‌شناسی احکام اقتصاد اسلامی است که در دو بخش جداگانه تحت عنوان "موانع معرفت‌شناسانه اجرای اقتصاد اسلامی و موانع عملی اجرای اقتصاد اسلامی" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بخش اول: موانع معرفت‌شناسانه احکام اقتصاد اسلامی

در باب موانع معرفت‌شناختی احکام اقتصاد اسلامی، مواردی همچون جامعیت و شمول آئین اسلام در حوزه اقتصادی از نگاه قرآن، جایگاه اقتصاد در تمدن اسلامی از لسان وحی و نگاه اولیاء دین به برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی دین اسلام مورد واکاوی و پژوهش قرار گرفته و ارائه می‌گردد.

### الف: جامعیت و شمول آئین اسلام در حوزه اقتصاد از نگاه قرآن

پیشگامی و سبقت دانشمندان اسلامی از سایر جوامع بشری در حوزه علم اقتصاد و نظریه‌پردازی و طرح مباحث خلاقانه و جدید در این حوزه، بیانگر جامعیت و شمول و آینده‌نگری آئین انسان‌ساز مکتب اسلام در این خصوص می‌باشد و این مهم، نشانگر این واقعیت است که اصول و مبانی این شاخه از علوم انسانی و اجتماعی (اقتصاد) قرن‌ها قبل از رنسانس و انقلاب صنعتی و علمی در مغرب زمین و پیدایش آراء و نظریات جدید در این حوزه، در مکتب نجات‌بخش و سعادت‌آفرین اسلام و در قلب کلام نورانی وحی و سیره اهل بیت علیهم السلام تعریف و تبیین گردیده و کلیات آن به اجمال در آیات قرآن کریم و جزئیات آن در روایات و احادیث ائمه اطهار (ع) به تناسب موضوعات مختلف آمده و راهنمایی‌های لازم در این زمینه انجام پذیرفته است که در این قسمت جهت مستندسازی و تبیین اسناد و مدارک مدعای مذکور به برخی از آیات الهی در قرآن کریم و روش و منش امام علی (ع) در زمان خلافتش اشاره می‌گردد.

نویسنده مقاله قرآن و اقتصاد در رابطه با ضرورت وجود اقتصاد اسلامی در میان جوامع مسلمان و حکومت‌های اسلامی و بکارگیری احکام و قوانین دین اسلام در حوزه معیشت مردم تحت عنوان "نظری به اقتصاد اسلامی" چنین می‌نویسد: «کسانی که فکر می‌کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست و هر چیزی یک مرز و قلمرو خاصی دارد و هر گوشه‌ای و قسمتی از زندگی بشر به یک شیء بخصوص تعلق دارد، تعجب یا احياناً انکار می‌کنند که کسی یا کسانی موضوعاتی به نام مسائل اقتصادی در قرآن طرح کند، زیرا به عقیده اینها هریک از اسلام و اقتصاد، یک مسئله جداگانه است، اسلام بعنوان یک دین برای خودش و اقتصاد بعنوان یک علم برای خودش، اسلام قلمرویی دارد و اقتصاد قلمروی دیگر. اما نکته این است که مسائل زندگی را نباید مجرد فرض کرد. صلاح و فساد در هریک از شئون زندگی در سایر شئون مؤثر است. نظام ارزشی اسلام، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را بطور همزمان مورد توجه قرار داده و دنیا را مزرعه آخرت معرفی نموده است. براین مبنا، هر

رفتار اقتصادی مفید که در حوزه ارزش های اسلامی مجاز باشد، انجام آن خوب و شایسته است. الگوهای اقتصادی از آنجا که به شدت تابع شرایط زمانی و مکانی می باشد، قابل تجویز و ارائه بطور کلی از سوی مکتب اسلام نبوده است. اما قوانین ثابت و همیشگی حاکم بر آنها، در منابع اسلامی بیان شده اند» (گلمکانی، ۱۲، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب فوق، بررسی مقوله ثروت و ارکان سه گانه (تولید، توزیع، مصرف) در حوزه اقتصاد بعنوان سؤال اصلی مطرح می باشد. نظر قرآن درباره مال و ثروت اندوزی چیست؟ شاید کسانی گمان کنند که قرآن اصولاً با ثروت مخالف است و آن را بعنوان یک امر ناپسند و مذموم می شناسد، اما چیزی که مذموم باشد، احکامی بر آن مترتب نمی شود و قانونی برای آن وضع نمی گردد، در صورتی که در اسلام، قوانینی در این خصوص موجود است. بنابراین جواب این است که قرآن مال و ثروت را سرزنش نکرده، بلکه هدف و غایت قرارداد مال و ثروت را ناپسند می داند و با این مسئله که انسان مملوک ثروت شود، مخالف است به همین خاطر می فرماید: «الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ...» (توبه، ۳۴) و در آیه دیگر نقش پول را در فاسد کردن شخصیت انسانی بیان نموده و به همین دلیل ثروت پرستی را نهی نموده و می فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ...» (علق، ۶).

اما ضرورت وجود مال و ثروت برای معاش انسان را در کمال صراحت بعنوان "خیر" نامیده است. «...كُنْتَ عَلَيَّكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...» (بقره، ۱۸۰) و یا پیامبر اکرم (ص) دفاع از مال را در حکم جهاد و کشته شدن در این راه را شهید تلقی کرده و می فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ ظُلْمًا، فَهُوَ شَهِيدٌ».

بنابراین شناخت و فهم کلام الهی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و این مسئله جز با درک درست کیفیت مطلوب زندگی انسان از دیدگاه قرآن و سنت میسر نخواهد بود و از آنجا که معمولاً در اقتصاد نیز از سه موضوع عمده و مهم، یعنی "تولید، توزیع و مصرف" بحث گردیده، لذا آیات قرآنی مربوط به علم "اقتصاد" را بر چنین مبنایی به همراه شرح مختصری از آن ها بدین صورت ارائه می نمایم.

#### ۱. تولید از نگاه قرآن:

در باب موضوع تولید و مباحث مربوط به آن، مهمترین موضوع، نظر قرآن در مورد گستردگی منابع تولید و استفاده بهینه از آن می باشد و آیاتی را که گویای این حقیقت است را اینگونه مطرح می نماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَسَآئِلْتُمُوهُ...» (ابراهیم، ۳۴) که خداوند در زمین، آنچه را انسان نیاز داشته، برای وی فراهم کرده است و هر چه از او خواسته اید به شما ارزانی داشته است. و در جای دیگر می فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف، ۱۰) (در زمین جایتان دادیم و زندگی و معیشت شما را در آن قراردادیم و چه اندک سپاس گذاری). بنابراین از دیدگاه قرآن کریم، در زمین آنچه مورد نیاز انسان برای ادامه زندگی لازم است، مهیاست اما این امر به معنای آن نیست که کلیه نیازمندی های انسانی بصورت بالفعل و بدون کار و تلاش در اختیار اوست، بلکه به این معناست که انسان باید با بکارگیری روحیه عمران و آبادی و ابتکار و تلاش، رزق و روزی خویش را از منابع طبیعت بدست آورده و آن ها را برای استفاده از آن، تغییرات ضروری دهد. بنابراین اگر در مواردی مشاهده می شود که قرآن کریم صرف ایمان و تقوا را مایه نزول برکات الهی و رونق اقتصادی دانسته و می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَأَتَقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف، ۹۶) منظور این نیست که فقط ایمان و تقوا موجب نزول برکات می شود، بلکه جنبه اثباتی آن نیز که سعی و تلاش برای بهره وری مطلوب از منابع طبیعت باشد، منظور خواهد بود. بنابراین تلاش در راه بکارگیری وسایل برای رسیدن به مواهب طبیعت در امور مادی وسیله خواهد بود، همانطور که در امور معنوی وسیله قرارداد اولیاء و

انبیاء برای تقرب الی الله مورد نظر خواهد بود. پس روشن است که قرآن کریم دیدگاه‌هایی مانند "نظریه مالتوس" را که به محدودیت منابع طبیعت و عدم کفاف آن برای انسان‌ها را مطرح می‌نماید، مردود می‌داند.

## ۲. توزیع از نگاه قرآن:

قرآن کریم اصل مسلم در تجارت را رضایت طرفین معرفی نموده و روابط اقتصادی و مبادلات تجاری را براساس آن بیان نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» (نساء، ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف به آن رضایت داده باشید. و در باب میانه‌روی در اقتصاد خانواده نیز چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷) آنان که چون هزینه می‌کنند، اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند، بلکه میان این دو راه اعتدال را می‌گیرند. یعنی نباید در امور زندگی و در مسائل مصرفی افراط و تفریط نمود. انسانی که وظیفه تأهل را می‌پذیرد و خرج خانواده‌ای را به عهده می‌گیرد، باید برای آن، دخل و خرج و حساب و کتاب داشته باشد.

## ۳. مصرف از نگاه قرآن

قرآن در حوزه مصرف با مصارف ضد ارزشی مخالفت نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخَبِرِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ...» (توبه، ۳۴) انسان در مقابل آنچه مصرف می‌کند باید تولیدات یا خدمات ارائه دهد و به شکلی به جامعه‌اش خدمت کند و گرنه از مصادیق "أَكْلُ الْأَمْوَالِ بِالْبَاطِلِ" خواهد بود. اگر به عوض آگاهی دادن و سوق دادن مردم بسوی واقع، آنان را گمراه و دور از حقیقت کند، آن مزدی که در این مورد می‌گیرد، حرام است، همانند رشوه، ربا و احتکار...

## ب: جایگاه اقتصاد در تمدن اسلامی از نگاه قرآن:

یکی از موانع اجرای قوانین اقتصاد اسلامی در جامعه در حوزه معرفت‌شناسی، عدم شناخت جایگاه اقتصاد در حوزه اسلام می‌باشد. به عبارت دیگر، اولین چالشی که در این حوزه مطرح می‌کنند، این است که آیا اصول و مبانی علم اقتصاد در حوزه دین (اسلام) تعریف شده و اساساً دین اسلام در این زمینه برنامه دارد؟ اگر اسلام در این خصوص از قوانین مدون و منسجمی برخوردار است، در کدام مرجع علمی تایید گردیده است؟ چرا در میان برخی از اندیشمندان و متفکرین علوم اقتصادی و همچنین سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان اقتصادی آنطور که باید و شاید جا نیفتاده است؟ چرا افکار عمومی اقبال چندانی به آن نشان نمی‌دهند؟ به راستی ایراد و اشکال کار در کجاست؟ آیا پاسخ مستدلی در این زمینه وجود دارد؟ اگر وجود دارد، در کجا و چگونه باید آن را جستجو نمود؟ به نظر می‌رسد برای پاسخگویی به این سؤالات، چاره‌ای جز بازگشت و مراجعه به تاریخ اسلام و مرور تمدن اسلامی و خدمات این مکتب آسمانی به جامعه بشری در اعصار و قرون متمادی، در همه عرصه‌ها، بویژه حوزه معیشت و اقتصاد که محل بحث حاضر می‌باشد، نیست. نویسنده کتاب "کلیات علم اقتصاد" در مقدمه کتاب مذکور در این مورد چنین می‌نویسد: «در زمانی که اروپا در سراسیمگی سقوط قرار گرفته و در باتلاق انحطاط دست و پا می‌زد، در این سوی کره زمین، تاریخ آباستن رویداد شگرف و شکوهمندی بود. سرانجام این رویداد شگرف در قرن هفتم میلادی اتفاق افتاد. حاصل این اتفاق تولد نظام جامع، جهان شمول و جاودانی به نام اسلام بود که با پیشرفت چشمگیر و بی‌نظیر در هیئت تمدنی بارور و بالنده در زمانی کوتاه قلمرو نفوذ

و اقتدارش را تا مرزهای چین و بخش‌هایی از هند و اسپانیا و شمال آفریقا گسترش داد. از قرن ششم تا آغاز رنسانس، سکان سیادت و رهبری جهان از هر لحاظ، از قدرت نظامی و سازماندهی سیاسی گرفته تا اصلاحات اجتماعی، ادبیات، علوم و فنون طب و فلسفه در دست مسلمانان بود. مسلمانان در مقایسه با سایر مردمان از رفاه و رونق مادی و سطح زندگی برتری برخوردار بودند. تعالیم و رهنمودهای رستگاری‌بخش و انسان‌ساز اسلام، نظامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان را دگرگون کرد. اسلام برخلاف مسیحیت تحریف‌شده قرون وسطایی، به کار و کوشش ارج و احترام نهاد. تلاش و کوشش برای معیشت آبرومندانه دنیوی را بعنوان پلکانی برای صعود به سعادت اخروی معرفی کرده است. سازوکار توزیع عادلانه درآمدها، چارچوب‌ها و معیارهایی برای بهره‌برداری از مواهب و منابع طبیعی، مرزها و محدودیت‌های مالکیت، رسالت و مسئولیت‌های دولت و حکومت در اقتصاد و... را تبیین و مشخص کرد. شرح ره‌آوردها و خدمات دین اسلام در زمینه جوامع انسانی، نیازمند مطالعه مفصل و مجزایی است. عصر طلایی حیات فکری تمدن اسلامی وامدار تلاش‌ها و کوشش‌های دانشمندانی چون فارابی، ابن مسکویه، ابن رشد، ابن حزم، شیخ طوسی، ابن سینا، جلال‌الدین دوانی، ابن خلدون و... است که با الهام از آموزه‌های آسمانی اسلام میراث فکری و علمی بس عظیم و گرانسنگی در بیشتر عرصه‌ها و زمینه‌های علوم و معارف از جمله اقتصاد از خود به یادگار گذاشته‌اند. جلوه‌ای از درخشش و شکوه علمی تمدن پربار اسلامی را در چهره آثار ابن خلدون "حکیم، مورخ و اقتصاددان مسلمان" و در هیئت کتاب «مقدمه ابن خلدون» می‌توان مشاهده کرد. ابن خلدون درباره بسیاری از موضوعات و مسائل اقتصادی از جمله درباره تقسیم کار، اثر عرضه و تقاضا بر قیمت، نقش و اهمیت کار در توسعه اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، انباشت و توزیع ثروت، میزان دخالت دولت در اقتصاد و به زعم برخی اقتصاددانان حتی درباره نظریه "مقداری پول و سرمایه اجتماعی" اظهار نظر کرده است. با این حال به رغم نظریات عمیق و همه‌جانبه ابن خلدون در قلمرو علم اقتصاد، عموماً "آدام اسمیت" بعنوان پدر علم اقتصاد معرفی می‌شود؛ در حالیکه اثر آدام اسمیت ۳۷۰ سال بعد از مرگ ابن خلدون انتشار یافته است. علاوه بر این، بن‌مایه‌های برخی دیگر از مفاهیم و نظریات مهم اقتصادی که بعدها اقتصاددانانی مانند مالتوس، مارشال، هیکس و فرانک نایت افتخار طرح و کشف آن‌ها را به نام خود ثبت کردند، در نظریه‌ها و تحلیل‌های ابن خلدون دیده می‌شود. به هر تقدیر، غفلت ناآگاهانه یا چشم‌پوشی عامدانه بسیاری از مورخان غربی علم اقتصاد، از نظریه‌های علمی و تحلیل‌های اقتصادی ابن خلدون مانع از آن نمی‌شود که ما نیز پیشگامی او در نظریه‌پردازی اقتصادی را نادیده بگیریم. در عین حال به دلیل محدودیت مجال، برای آشنایی بیشتر با نظریات و تحلیل‌های اقتصادی ابن خلدون و بررسی تطبیقی اندیشه‌های او با سایر پیشگامان علم اقتصاد، خوانندگان علاقه‌مند را به منابع مبسوط‌تر و تخصصی ارجاع می‌دهیم.» (علوی، عربی، ۱۰، ۹، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالبی که در رابطه با پیشینه تمدن اسلامی در حوزه امور اقتصادی بیان گردید، به این نتیجه می‌رسیم که در حوزه معرفت‌شناختی، دین اسلام از غنا و ژرفای والایی برخوردار بوده و خیلی از سؤالاتی که در بالا مطرح گردید، از اساس بی‌معناست و برای اثبات مدعا بررسی مصداقی برخی از گزاره‌های اقتصادی که در ادبیات وحی و کلام معصومین (ع) آمده است را بطور خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد. اهداف اقتصادی در هر مکتب اقتصادی باید مشخص و روشن باشد. در مکتب اسلام نیز اهداف اقتصادی شامل عدالت اقتصادی و اجتماعی، قدرت اقتصادی، حکومت اسلامی، رشد اقتصادی، استقلال و... می‌باشد که نظر قرآن در مورد هر یک از آن‌ها بطور خلاصه تشریح می‌گردد.

#### ۱. عدالت اجتماعی

معمولاً دو عامل مهم برای انحراف از عدالت اجتماعی وجود دارد که قرآن به هر دو عامل توجه کرده است. اولین عامل انحراف، حب ذات و علاقه‌ها و روابط است. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...» (نساء، ۱۳۵). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً به عدالت قیام کنید و گواهی‌های شما فقط برای خدا باشد، گرچه به زیان خود شما یا والدین و بستگان تمام شود و مسئله فقیر بودن یا غنی بودن در گواهی دادن شما اثر نکند، زیرا خدا سزاوارتر است به اینکه از آن‌ها حمایت کند. یعنی مسئولیت شما فقط دفاع از حق است بدون هیچگونه ملاحظه خانوادگی یا اقتصادی.

دومین عامل برای این که انسان در خط عدالت حرکت نکند، مسئله ناراحتی‌هایی است که انسان از فردی یا گروهی می‌بیند. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مانده، ۸). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برنامه شما قیام خالصانه و شهادت عادلانه باشد، دشمنی قوی، سبب انحراف شما از مرز عدالت نشود و خرده حساب‌های سابق را تصفیه نکنید. مکرراً فرمان می‌دهد که به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.

## ۲. قدرت اقتصادی حکومت اسلامی

دومین هدف اقتصادی اسلام که می‌توان آن را عنصری بیرونی یا فرامرزی دانست، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومت‌هاست که این امر به دو منظور می‌باشد:

اول، ترساندن کفار و دشمنان خارجی تا به ذهن آن‌ها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی و محاصره اقتصادی خطور نکند. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال، ۶۰). در آیه فوق، اطلاق کلمه "قوه" شامل هر نیرویی می‌شود و این شمول با استفاده از روایات اثبات می‌شود که از ذکر روایات خودداری می‌کنیم. پس کلمه "قوه" شامل نیروی برتر اقتصادی نیز که مسلماً برای رویارویی با دشمن از جمله ابزار حتمی شمرده می‌شود، خواهد شد. از تعلیل ذیل آیه شریفه «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» استفاده می‌شود که هر وسیله‌ای که موجب ترساندن کفار شود مطلوب است و یکی از مهمترین وسایل ترس، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی است. پس رساندن حکومت اسلامی به قدرت و استقلال اقتصادی از اهداف اقتصادی اسلام می‌باشد. دوم، اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره‌گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملل فقیر می‌باشد. «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود، ۱۱۳). براساس این آیه، اعتماد به ستمکاران که از دیدگاه قرآن، کافران مصداق اتم آن هستند و تمایل به آن‌ها جایز نیست. اگر حکومت اسلامی استقلال اقتصادی نداشته و به غیرمسلمانان وابسته باشد، بر ظالمین اعتماد کرده است. پس یکی از وظایف حکومت اسلامی استقلال اقتصادی است که زمینه قدرت و اقتدار اقتصادی را فراهم می‌کند. این امر را قاعده فقهی نفی سبیل نیز تأکید می‌کند، که براساس قوانین فقهی هرگونه واردات یا تجارتي که باعث تسلط کفار بر جامعه اسلامی شود، حرام شمرده می‌شود.

## ۳. حفظ استقلال

برخی، حاکمیت سیاسی اسلام را جزء اهداف اقتصادی اسلام معرفی کرده‌اند، در حالی که این امر عنصری سیاسی و یکی از اهداف سیاسی اسلام ذکر شده است. به هر حال درباره استقرار حکومت سیاسی اسلام، آیات بسیار فراوانی در قرآن دیده می‌شود از جمله آیاتی که لزوم اجرای قوانین قضایی، نظامی و... را که توسط دولت اسلامی باید انجام گیرد، تأکید می‌کند. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۰) (گلمکانی، ۱۳۸۸، ۱۳ تا ۱۶).

### ج: نگاه اولیاء دین به برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی

امور اقتصادی و نحوه انجام آن‌ها و همچنین آثار و نتایج انجام فعالیت‌های اقتصادی در جامعه در نگاه اولیاء دین دارای اهمیت فراوانی بوده، تا جایی که بعضی از معصومین علیهم السلام آن را بعنوان رکنی از ارکان عبادات برشمرده و احکام و قوانین ویژه‌ای برای آن وضع نموده و بخشی از وظایف حاکمان و کارگزاران در حوزه مسئولیت‌هایشان را به این امر مهم اختصاص داده‌اند. به همین خاطر در معارف علوی و سیره امام علی، اقتصاد و تجارت جایگاه ویژه‌ای داشته و ایشان به امور اقتصادی و معیشتی توجه خاصی نموده و برنامه‌ها و سیاست‌های مدون و منسجمی را در زمان خلافتش ارائه نموده که به تناسب موضوع، به مواردی از آن به اختصار اشاره می‌گردد. نویسنده مقاله "آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج البلاغه" در باب برنامه‌های اقتصادی امام علی (ع) در مقدمه مقاله خود چنین می‌نویسد: منبع اصلی اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) نهج البلاغه و منابع دیگری مانند غررالحکم و دررالکم و غیره است که در آن با استناد بر خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار با سیره اقتصادی آن حضرت و دیدگاه‌های اقتصادی وی آشنا می‌شویم. اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) ملهم از قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) و سنت پیامبر اسلام (ص) است و بعنوان الگویی برای جوامع و حکومت‌های اسلامی می‌باشد.

مهم‌ترین اصول تفکرات اقتصادی امام علی (ع) را می‌توان در شش اصل زیر مطرح نمود:

۱- رعایت عدالت در تمام شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

۲- فقرزدایی در جامعه اسلامی

۳- سیاست‌های مالی

۴- مقابله با مفسدات اقتصادی

۵- وظایف اقتصادی دولت اسلامی

۶- رعایت قناعت و ساده زیستی در زندگی فردی و اجتماعی (مولایی، ۲، ۱۳۹۲). با توجه به آنچه که در حوزه معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی از لسان آیات الهی و سیره علوی (ع) بیان گردید، چنین نتیجه می‌شود که دین مبین اسلام برنامه‌های بسیار جامع و مدونی در حوزه اقتصادی و معیشتی مردم و جامعه دارد و تاریخ تمدن اسلامی در طول این هزار و چهارصد سال، شاهد و گواه این مهم بوده و هست و طرح مباحث مربوط به موانع اجرای اقتصاد اسلامی در حوزه معرفت‌شناختی مبنی بر عدم وجود اصول و مبانی اقتصادی در مجموعه کلان دین اسلام اعم از گزاره‌های وحیانی و نیز سنت معصوم (ع) اساساً موضوعیت نداشته و عوامل ناکارآمدی موانع اجرایی آن جنبه برون‌زا داشته است و ارتباطی با ساختار نظری دین اسلام در حوزه اقتصادی نداشته و ریشه خیلی از شبهاتی که در این حوزه مطرح گردیده را باید در جای دیگر و به شکل دیگری دنبال نمود که پژوهشگر در این بخش برخی از آن‌ها را مورد واکاوی و تحلیل قرار خواهد داد.

بخش دوم: موانع عملی اجرای اقتصاد اسلامی



مهمترین موانع عملی اجرای احکام اقتصاد اسلامی: بررسی و تحقیق پیرامون موانعی که در حوزه عملیاتی نمودن احکام اقتصاد اسلامی بعنوان سدی در مسیر اجرای این قوانین و احکام خودنمایی می‌کنند، موضوع این بخش از مقاله مذکور است، موانعی که باعث می‌گردد قوانین اقتصاد اسلامی یا قابلیت اجرایی لازم را نداشته و یا کارآمدی خود را از دست بدهند. آنچه در این قسمت بررسی می‌گردد، کلیات و مبانی مرتبط با موانع اجرای احکام اقتصاد اسلامی در جامعه اسلامی است که بیان می‌شود. نویسنده مقاله ظرفیت‌ها و چالش‌های اقتصادی در خلال بررسی ظرفیت‌های اقتصاد اسلامی در جامعه ضمن بیان عناوین مهم موانع اجرایی مرتبط با اقتصاد اسلامی به موارد زیر اشاره نموده و اینگونه بیان می‌کند:

### ۱. عدم آگاهی و شناخت از قوانین اقتصاد اسلامی

یکی از موانع اساسی در اجرای احکام اقتصاد اسلامی، عدم شناخت و باور عمومی در سطوح مختلف جامعه، چه در سطح تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان حوزه اقتصادی و چه در ارتباط با عموم مردم و فعالان اقتصادی است. این عقیده که متون دینی، علی‌الخصوص کلام وحی و سیره علوی (ع) حاوی نکات مهم و قابل استفاده‌ای در حوزه اقتصاد و معیشت می‌باشد، بنابه دلایل مختلف از سوی آنها، به دیده تردیدآمیز نگاه شده و اعتقاد چندانی به آن ندارند. نویسنده مذکور در ارتباط با این موضوع، با اشاره به وجود موانع اجرای احکام اقتصاد اسلامی چنین می‌نویسد: «با وجود گسترش ادبیات موضوع و با وصف اجرای ابعادی از اقتصاد اسلامی و با عنایت به دغدغه جدی بسیاری از محققان، موضوع هنوز برای بخش قابل توجهی از اهل اقتصاد به درجات مختلفی شفاف نمی‌باشد، به این صورت که برخی با وجود پذیرش مفادی کلی از این رشته، بر دشواری اجرای اقتصاد اسلامی تأکید دارند. عده‌ای در مورد علمی بودن و علمی نبودن آن شک دارند. گروهی حتی در اصل وجود و ماهیت آن تردید دارند. بدیهی است تا زمانی که این وضعیت برای مدرسان و محققان اقتصاد وجود داشته باشد، موضوع برای دانشجویان و مردم عادی از دشواری بیشتری برخوردار است. پرواضح است که سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی جامعه باید پیام سیاست مورد عمل خود را از صاحب‌نظران اقتصادی دریافت کنند. در این اوضاع و احوال، اگر با بی‌توجهی نسبت به اقتصاد اسلامی برخورد نکنند، حداقل در یک سردرگمی نسبت به آن قرار خواهند گرفت. در هر صورت این عدم شفافیت و سردرگمی می‌تواند مانع بالقوه مؤثری در اجرای احکام اقتصاد اسلامی محسوب گردد.» (صدر، ۱۹۸۵م)

### ۲. تفاوت نظریه‌ی اقتصاد اسلامی با کارکرد اقتصاد کشورهای اسلامی

یک سوء تفاهم بسیار مؤثر در ارتباط با اجرای اقتصاد اسلامی، پیوند دادن ضعف کارکرد اقتصاد کشورهای اسلامی با ضعف ساختاری نظریه‌ی اقتصاد اسلامی می‌باشد. این امر معمولاً در قالب پیوند کلی درک و عمل متدینین نسبت به دین و تفاوت درک درست یا نادرست واقعیت نظری دین، و درست یا نادرست عمل کردن به دین مربوط می‌باشد. جدا کردن این دو موضوع از نظر منطقی بسیار ضروری است. آنچه متدینین از دین درک می‌کنند و به آن عمل می‌کنند لزوماً منطبق بر حقیقت نظری و واقعیت عملی دین نمی‌باشد. شاید به این خاطر است که "تامس مور" فیلسوف مشهور می‌گوید: ای کاش ما بر مبنای اندیشه حضرت مسیح پیش می‌رفتیم، نه بر اساس تفکر مسیحی‌ها؛ و شاید به همین دلیل باشد که سید جمال‌الدین اسدآبادی در پاسخ به یک محقق خارجی می‌گوید "الاسلام شی والمسلمون شی آخر".

برای آسیب نرساندن این سوء تفاهم به اقتصاد اسلامی، مناسب است که حکومت‌ها و نظام‌های اجتماعی موسوم به اسلامی به جای ادعای ارائه درک و اجرای کامل اصول، مبانی و دیگر عناصر اصلی دین، تنها ادعای درک و عمل به الگوها و قرائت‌های خاصی از اندیشه و کارکرد

دین را بنمایند، تا شکست و عدم موفقیت آن الگوها و قرائت‌ها به کل نظریه و کارکرد دین تسری نیابد. بدیهی است، اسلامی که جایگاه عدالت آن در سلسله علل احکام است و عدم تحقق عدالت در آن با عدم تحقق دین برابری می‌کند، نمی‌تواند بر بی‌عدالتی‌های فراوان در اقتصاد و اجتماع کشورهای موسوم به اسلامی امروز دنیا منطبق باشد. اسلامی که با هر نوع مظهر فقر و بیکاری، بی‌انصافی، اسراف، تبذیر، رشوه‌خواری، رباخواری و دیگر مفاسد اقتصادی چه در بخش خصوصی، چه در بخش دولتی مخالف است، نمی‌تواند امضاءکننده انواع فقر، فساد، بی‌عدالتی و بی‌انصافی، حیف و میل بیت‌المال، ارتکاب انواع معاملات ربوی، رانت‌خواری، پول‌شویی و امثال آن در جوامع مذکور باشد.

### ۳. عدم ناسازگاری نظام آموزشی رسمی اقتصاد با مبانی اقتصاد اسلامی

با وجود گسترش ادبیات موضوع و با وصف اجرای ابعادی از اقتصاد اسلامی و با عنایت به دغدغه جدی بسیاری از محققان، موضوع هنوز برای بخش قابل توجهی از اهل اقتصاد به درجات مختلفی شفاف نمی‌باشد، به این معنا که نظام آموزشی اقتصادی در جامعه که هم پستوانه‌ی علمی برای تحقیق و گسترش ادبیات مربوطه را فراهم می‌سازد و هم زمینه‌ی تربیت کارشناسان و مدیران اقتصادی در عرصه‌ی موردنظر را فراهم می‌آورد، قرابت معناداری با اقتصاد اسلامی ندارد. این عدم ارتباط حتی در جمهوری اسلامی ایران که ادعای اجرای نظام اجتماعی اسلام در همه ابعاد را دارد، نیز بسیار کم‌رنگ می‌باشد. در نظام آموزش اقتصاد در ایران، علاوه بر ناکارآمدی، قرائت مرسوم در رشته اقتصاد که نزدیک به ۳۵ سال است مورد تحول اساسی قرار نگرفته است، در برخی از رشته‌های اقتصاد نظری تنها پنج واحد در مقطع لیسانس و سه واحد در مقطع فوق لیسانس در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی وجود دارد. جالب توجه است که حتی سرفصل‌های مدون شده برای همین دروس محدود و نحوه ارائه آن‌ها و نیز متون درسی و مدرسان دروس مربوطه نیز از ناکارآمدی‌های قابل توجهی برخوردار هستند. بدیهی است که تولیدات مربوط به این فضای آموزشی خاص، از کارآمدی کافی برخوردار نخواهد بود. ذهنیت ایجاد شده از اقتصاد اسلامی برای دانشجویان رشته اقتصاد نیز، چالش مهم دیگری در این ارتباط خواهد بود و در نتیجه نمی‌توان انتظار قابل قبولی را از اجرای اقتصاد اسلامی، حداقل از منظر پیوند نظام آموزشی داشت. (دادگر، ۹، ۸، ۱۳۸۳)

### ۴. رقابت ناهم‌وزن نظریه اقتصاد اسلامی با دیگر نظریات اقتصاد متعارف

نظریات اقتصاد متعارف (به غلط یا به درست، کارآمد یا ناکارآمد) در حال حاضر ابعاد وسیعی از مجاری علمی و سیاست‌گذاری اقتصادی در اکثر کشورهای اسلامی و غیراسلامی را به خود اختصاص داده است. متون آموزشی این رشته در کشورهای مذکور بر همین مبنا به پیش می‌رود و در ذهن دانشجویان با القانات مشخصی از پارادایم مسلط اقتصاد (بویژه قرائت نئوکلاسیک) همراه می‌باشد. دایره‌ی تحقیق و ارزیابی آموزشی، اعتبار علمی پایان‌نامه‌های دانشجویی، کارآمدی پروژه‌ها و مقالات اقتصادی، ارائه‌ی مشاوره به سیاستمداران و سیاست‌گذاران، همه و همه از همین خاستگاه برمی‌خیزد و در عین حال در کنار دریای خروشان قرائت مسلط، جویبارهای ضعیفی به نام اقتصاد اسلامی با هزاران دشواری، مسیرهای کم و بیش آشنایی را می‌پیمایند. انسجام ریاضی و هندسی مدل‌های پارادایم مسلط که در جای خود ارزش مستقل خود را دارا می‌باشد، جاذبه نسبی علمی و ادعای ارائه رهنمودهای صحیح عملی و قدرت پیش‌بینی‌های واقعی اقتصادی در پارادایم فوق، وجود هر زیررشته فرعی چون اقتصاد اسلامی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به همراه این امر کارشناسان و مدیران و محققان و حتی گروهی از علاقه‌مندان اقتصاد اسلامی نسبت به این رشته در مقایسه با پارادایم مسلط، احساس ضعف و حتی احساس حقارت می‌نمایند و این امر تأثیر قابل توجهی در اجرای اقتصاد اسلامی خواهد داشت.

#### ۵. فقدان ارتباط موثر اقتصاد اسلامی با دیگر ابعاد زندگی مردم

در میان عموم مردم عقیده بر آن است که آنگونه که اقتصاد اسلامی بطور بالقوه با زندگی مرتبط است، بطور بالفعل چنین نیست. این واقعیت، زمینه‌ساز عامل دیگری است که مانع پیشرفت عملی در اجرای اقتصاد اسلامی می‌گردد؛ زیرا کارگزاران اقتصادی در درجه اول، دغدغه عناصر مختلف زندگی مادی مردم را دارند و در این ارتباط بطور روشن، جایگاهی برای آگاهی نسبت به اقتصاد اسلامی نمی‌یابند و در درجه دوم نیز، مردم بین فعالیت‌های عمومی خود، شامل دریافت‌ها، پرداخت‌ها، امور رفاهی، امور آموزشی، بهداشتی، مسکن، تحصیل فرزندان، مسافرت و حتی استقراض از بانک و امثال آن از یک سو، و اقتصاد اسلامی از سوی دیگر ارتباط بخصوصی را شناسایی نمی‌کنند. بنابراین گروهی از اهل اقتصاد که از نوعی علائق دینی همه‌جانبه برخوردارند از خود می‌پرسند که آیا امکان دارد اسلام چارچوب اقتصادی مشخصی نداشته باشد؟ بر همین اساس، اقتصاد اسلامی با وجود ظهور کلی در اذهان عمومی، به شکل یک نهاد اجتماعی محقق نشده است و این امر، حداقل باعث کندی اجرای آن خواهد شد.

#### ۶. فقدان سرمایه‌گذاری کافی و برنامه‌ریزی مدون و منسجم

در حال حاضر چه در زمینه تبلیغ و شناسایی رشته اقتصاد اسلامی و چه در معرفی ابعاد اساسی آن و چه در ارتباط با پیوند آن با دیگر عناصر نظام اسلامی، هیچ عزم جدی کارسازی وجود ندارد. کارآمدسازی و نزدیک ساختن یک معرفت علمی با اجرای آن، در درجه اول نیازمند تأمین زیرساخت‌های اساسی و در مرحله‌ی دوم محتاج تدوین نوعی برنامه‌ریزی استراتژیک میان‌مدت و بلندمدت می‌باشد و سرانجام به عناصر کنترلی و نظارتی کارآمدی نیاز دارد که پیشرفت کار را مطالعه کرده، دشواری‌های احتمالی را حل و فصل نماید و دورنمای پیشرفت مراحل بعدی را مشخص نموده، مورد حمایت قرار دهد. تأمین هزینه پروژه‌های تحقیقاتی، پشتیبانی از رساله‌ها و تزه‌های دانشجویی، تدارک کارگاه‌ها و سمینارهای مورد نیاز، نمونه‌ای از اقدامات ضروری در این عرصه محسوب می‌شود. نظام رسمی تبلیغاتی کشور و رسانه‌هایی که از بودجه عمومی تغذیه می‌شوند، نقش فراگیرتری را به عهده خواهند داشت. تغذیه مرتب و هماهنگ تبلیغی جهت ایجاد ذهنیت و فرهنگ‌سازی برای شکل‌گیری رشته‌های علمی نوپا، بسیار ضروری است. در هیچ‌کدام از موارد یادشده، فعالیتی شایان ذکر در جوامع اسلامی (و از جمله ایران) صورت نگرفته است. بنابراین با وجود آنچه گفته شد، انتظار اجرای اقتصاد اسلامی نیز خیلی معقول نمی‌باشد.

#### ۷. دشواری‌های سازمان‌دهی و هماهنگی در برنامه‌های اقتصادی

کارآمدی اقتصاد اسلامی هم از جنبه نظری و هم از لحاظ اجرایی وقتی محقق می‌شود که اقتصاد اسلامی در یک قالب نظام‌وار پیش برود؛ به عبارت دیگر امکان اجرای موفق یک بخش از اقتصاد اسلامی، بدون سازگاری و همراهی دیگر بخش‌های آن وجود ندارد. بعنوان مثال یکی از علل اساسی عدم موفقیت اجرای بانکداری بدون "ربا" در برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، فقدان رابطه‌ی نظام‌مند آن با دیگر ابعاد اقتصادی و سایر زیرنظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد. گذشته از این، اجرای اقتصاد اسلامی در جوامع اسلامی به نوعی هماهنگی‌های مدیریتی، سازمانی و تشکیلاتی منظم در بدنه سیستم عمومی آن کشورها نیاز دارد؛ در حالی که وضع موجود در جوامع اسلامی حکایت از فقدان آن‌ها دارد. این امر بعنوان یک مانع مؤثر در اجرای اقتصاد اسلامی عمل می‌کند (دادگر، ۱۳۸۳).

#### ۸. عدم امنیت اقتصادی از نگاه قرآن و نهج البلاغه

نامنی اقتصادی یکی از موانع اجرای اقتصاد اسلامی است. فقدان امنیت اقتصادی به این معناست که شرایط سیاسی، حقوقی و اجتماعی جامعه به گونه‌ای باشد که اعتماد فعالان اقتصادی را به امر سرمایه‌گذاری و کسب و کار جلب نکند و آن‌ها همیشه منتظر حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر باشند. نبود امنیت اقتصادی نه تنها موجب فرار سرمایه‌ها از کشور می‌شود، بلکه علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری‌های مولد را از سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی دلسرد کرده و آن‌ها را به سمت مشاغل غیرمولد (مشاغل کاذب) نظیر واسطه‌گری و دلالتی سوق می‌دهد. این مسئله روحیه ابتکار و خلاقیت را به تدریج نابود کرده و سرمایه و ثروت جامعه در کارهای غیراقتصادی، به اصطلاح زودبازده بکار گرفته می‌شود، که چنین کاری در نهایت به ایجاد و گسترش تورم و گرانی قیمت‌ها و رشد بی‌رویه خدمات می‌انجامد.

در قرآن کریم در ارتباط با موضوع امنیت و رابطه آن با اقتصاد که محل بحث حاضر می‌باشد، چنین آمده است: «الَّذِي أُطْعِمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش، ۴). ترجمه: همان خداوندی که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ناامنی رهایی بخشید. نویسنده تفسیر مخزن العرفان در شرح و تفسیر این آیه شریفه، مسئله امنیت را، راه نجات قوم قریش معرفی نموده و در این مورد چنین می‌نویسد: «این آیه تأییدی است که شما اهل مکه به شکرانه این نعمت که خدا به احترام حرم، شر ابرهه و اصحاب فیل را از شما اهل مکه برگردانید، باید بدانید که کعبه حرم خداست و باید عبادت و بندگی شما فقط برای پروردگار این خانه باشد و کسی را در عبادت با او شریک نگردانید و نیز در مقام امتنان بر قریش است که بر شما منت نهاد، آن خدایی که مکه را برای شما محل امن و امان گردانید تا بتوانید در آن کسب و کار نمایید و طریق معاشتان تأمین گردد و از گرسنگی رهایی یابید و نیز شما را از خوف ابرهه ایمن گردانید و دشمن شما را هلاک نمود» (نصرت بیگم، بی‌جا، بی‌نا، ج ۲۹۷، ۱۵).

همانطور که اشاره گردید، یکی از ابعاد مهم مسئله "امنیت" بعد اقتصادی آن است که با توجه به اهمیت "معیشت و اقتصاد" در حیات مادی و معنوی انسان، تبیین این موضوع و سازوکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از دلایل مهمی که انجام چنین پژوهش‌هایی را بیشتر ایجاب می‌کند، این است که در شرایط فعلی کشور، یکی از دغدغه‌های اساسی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، تأمین بهینه معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آنهاست. به همین دلیل نیز دهه چهارم انقلاب اسلامی، دهه عدالت و پیشرفت نامیده شده است تا با ایجاد توسعه عدالت‌محور، امنیتی همه‌جانبه، از جمله امنیت اقتصادی برای عموم مردم ایجاد شود.

در سیره علوی نیز موضوع امنیت و تأثیر آن در اقتصاد جامعه و معیشت مردم از اهمیت والایی برخوردار است تا جایی که امام علی (ع) در نامه ۵۱ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «مَنْ عَبْدَ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَصْحَابِ الْخَرَاجِ أَمَا بَعْدُ... فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَاصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ فَإِنَّكُمْ خَزَانَ الرَّعِيَّةِ وَوُكَلَاءَ الْأُمَّةِ وَسَفَرَاءَ الْأَائِمَّةِ وَ لَا تُحْشِمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ وَ لَا تَحْبِسُوهُ عَنْ طَلِبَتِهِ وَ لَا تَبِيعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخَرَاجِ كِسْوَةَ شِتَاءٍ وَ لَا صَيْفٍ وَ لَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَ لَا عَبْدًا وَ لَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانٍ دَرَهُمْ وَ لَا تَمَسَنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًّا وَ لَا مُعَاهِدًا إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سِلَاحًا يُعَدِّي بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَدَعَ ذَلِكَ فِي أَيْدِي أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ فَيَكُونَ شَوْكَةً عَلَيْهِ وَ لَا تَدْخُرُوا أَنْفُسَكُمْ نَصِيحَةً وَ لَا الْجُنْدَ حُسْنَ سِيرَةٍ وَ لَا الرَّعِيَّةَ مَعُونَةً وَ لَا دِينَ اللَّهِ قُوَّةً وَ أَبْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَكُمْ أَنْ نَشْكُرَهُ بِجَهْدِنَا وَ أَنْ نَنْصُرَهُ بِمَا بَلَّغَتْ قُوَّتُنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸، ج ۹۸۵، ۵).

ترجمه: این نامه از بنده خدا علی امیرالمؤمنین است به باج‌گیران: پس از ستایش خدا و درود بر پیغمبر اکرم و... پس با مدارا و انصاف با مردم رفتار کنید، و بر خواهش‌هایشان، شکیبیا باشید، زیرا شما خزانه‌داران رعیت هستید (که بواسطه گرفتن خراج با جمعی سروکار دارید، و به دسته دیگری باید رد کنید و چنین کس باید بردبار و شکیبیا باشد) و وکلای مردم و نمایندگان پیشوایانید (که بوسیله شما درباره رعیت دستور می‌دهند) و کسی را از درخواستش به خشم نیاورده، از مطلوبش منع نکنید (کارش را معطل نگذارده و بگوئید چنین بکن چنین نکن، یا زمین را کار، یا آب از فلان جا بیرون آور، خلاصه او را سرگردان ننمائید) هنگام باج گرفتن از مردم لباس زمستانی و تابستانی و چهارپائی که با آن کار می‌کنند و غلام را نفروشید (اگر مالی نداشته باشد که خراج را ادا کند آنچه بدان نیازمندند از آن‌ها نگیرید) و البته کسی را برای درهمی تازیانه نزنید، و به مال هیچ یک از نمازگزاران و پیمان‌بسته‌ها (که با دادن جزیه در پناه اسلامند) دست نزنید، مگر اسب و سلاحی که بوسیله آن بر مسلمانان ستم شود، بیابید، زیرا سزاوار نیست مسلمانان آن‌ها را در دست دشمنان اسلام باقی گذارند تا بر او توانائی داشته باشند و از پند و اندرز بر خودتان و نیکوئی بر لشگر و کمک بر رعیت و توانا ساختن دین خدا خودداری نکنید، و در راه خدا آنچه سزاوار و بر شما واجب و لازم است به‌جا آورید، زیرا خداوند سبحان از ما و شما خواسته که در برابر احسان و نیکوئی او با کوشش خود او را سپاس گزاریم، و به منتهی درجه توانائی خویش او را یاری کنیم، و (هرچند ما را) توانائی نیست مگر بیاری خداوند بلندقدر بزرگوار.

#### شرح و تفسیر نامه ۵۱ نهج البلاغه

امام این نامه را به گردآوردندگان مالیات نوشته است. هرکس پیش از انجام کاری به پیامدهایش توجه کند و در آن‌ها تدبیر و اندیشه کند از آن کار سود برده و از زیان‌هایش دور خواهد ماند؛ اما کسی که بدون اندیشه به کاری دست زند، خود را به هلاکت و گرفتاری می‌اندازد. آبادانی دنیا و قدرت‌های این جهان از راه مال و ثروت به دست می‌آید. تلاش‌های گردآوردندگان مالیات هرچند سخت و بسیار باشد، در مقایسه با خوشنودی و پاداش خداوند، هیچ است. اگر فرض کنیم که کیفری برای انجام کارهای زشت تعیین نشده و تنها ترک آن‌ها نیکو و پسندیده است، باز ترک آن‌ها سزاوار بود؛ چه رسد به حالی که کیفر انجام کار زشت، سخت و سنگین شمرده شده است. امام در جای دیگری در این باره می‌فرماید: اگر خدا بر گناهان وعده عذاب نمی‌داد، لازم بود برای سپاسگزاری از نعمت‌هایش نافرمانی نشود. مأموران مالیات باید سه ویژگی داشته باشند: اموال را برای هزینه کردن در راه خدمت به خلق گردآورند؛ نمایندگانی از سوی جامعه و مردم باشند؛ نمایندگانی از سوی امامان باشند. هر یک از این سه صفت خود به اخلاص و امانتداری نیاز دارد. اگر مأمور مالیات، امانتدار نباشد اوضاع از اختیار حاکم خارج شده و فساد همه جا را فرا می‌گیرد. همه انسان‌ها در زندگی دنیا، نیازهایی دارند و برای رسیدن به هر نیازی، راه‌حل مناسب آن وجود دارد. بنابراین اگر رفع نیاز کسی تنها به دست شما بود، آن را دریغ نکنید. گردآوری مالیات، وظیفه دشواری است که به بردباری و مدارا و امانتداری و آشنایی با احکام شرعی نیاز دارد. گردآوردندگان باید بدانند که مالیات را از چه کسی بگیرند و بر چه اموالی مالیات تعیین کنند و در صورت امتناع یا ناتوانی افراد، با آنان چگونه برخورد کنند. یادآور می‌شوم که این مسئله (گردآوری مالیات) یکی از دلایل جنگ‌های رده در دوره ابوبکر بوده است (معموری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۳۷۷، ۵).

با توجه به آنچه که در آیات و روایات در باب امنیت اقتصادی و فواید و نتایج آن در میان جامعه و مردم از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه ذکر گردید، نتیجه می‌گیریم که فقدان امنیت در جامعه در حوزه اقتصادی، آثار مخرب و ویرانگری در همه بخش‌های اقتصادی اعم از تجارت و دادوستدهای داخلی و خارجی و نیز امور مربوط به حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف و سایر عرصه‌های اقتصادی به‌دنبال داشته و به عنوان

یکی از مهمترین موانع در مسیر اجرای احکام اقتصاد اسلامی محسوب می‌گردد که پرداختن به همه زوایای آن نیاز به مجال بیشتری دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

## ۹. فساد از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

یکی از مهمترین موانع اجرای اقتصاد اسلامی، پدیده شوم "فساد" در جامعه در همه ابعاد و در همه عرصه‌های زندگی بشر، بویژه در امور اقتصادی و معیشتی بوده و هست. هرچند بررسی همه زوایای این موضوع، گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که در قالب این پژوهش بگنجد، اما تلاش بر این است که بیشتر به مواردی پرداخته شود که اولاً از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار بوده و به قول معروف از دغدغه‌ها و نیازهای روز جامعه باشد و ثانیاً در لسان وحی و سنت معصوم (ع) مورد توجه و تأکید قرار گرفته باشد. به همین خاطر ابتدا مبحث "فساد" در قرآن کریم و سیره امام علی (ع) تعریف و بررسی گردیده و آیات و روایات مربوط به آن مورد بررسی و ارزیابی علمی و موشکافانه قرار می‌گیرد.

فساد از منظر قرآن: کلمه "فساد" در آیات قرآن کریم به تناسب موضوعات مختلف به کرات به کار رفته است اما با توجه به گستره دامنه معنایی آن، مصادیق و گونه‌های مختلف فساد که با مباحث حوزه اقتصاد اسلامی مرتبط بوده و در مصحف شریف، کاربرد بیشتری دارد و می‌تواند به عنوان محور اصلی بحث پژوهش حاضر مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در سوره مبارکه قصص در باب سرگذشت قارون و فرعون و آلوده شدن آنان به انواع مختلف فساد در روی زمین و آسیب‌ها و آفت‌هایی که به لحاظ اقتصادی و غیراقتصادی به جامعه زمان خودشان تحمیل نموده‌اند، چنین آمده است: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص، ۸۳). ترجمه: این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری‌جویی و فساد در زمین را ندارند، و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است. صاحب تفسیر نمونه در توضیح و تفسیر این آیه مذکور چنین می‌نویسد: «نتیجه سلطه‌جویی و فساد در ارض هلاکت و نابودی است. بعد از ذکر ماجرای تکان‌دهنده ثروتمند جنایتکار و مستکبر، یعنی قارون، در نخستین آیه مورد بحث، بیانی آمده است که در حقیقت یک نتیجه‌گیری کلی از این ماجرا است، می‌فرماید: سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که نه اراده برتری‌جویی در زمین دارند، و نه فساد می‌کنند، نه تنها برتری‌جو و مفسد نیستند که اراده آن را نیز نمی‌کنند، قلبشان از این امور پاک، و روحشان از این آلودگی‌ها منزه است.

در شرح حال و سرنوشت قارون دیدیم آنچه مایه هلاک و نابودی او شد، همان استکبار و برتری‌جویی بود. در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) چنین آمده است که به هنگام خلافت، شخصاً در بازارها قدم می‌زد، گم‌شده‌ها را راهنمایی می‌کرد، ضعیفان را کمک می‌نمود و از کنار فروشندگان رد می‌شد و این آیه شریفه را برای آن‌ها می‌خواند: این آیه درباره زمامداران عادل و متواضع و همچنین سایر قدرتمندان از توده‌های مردم نازل شده است. یعنی همانگونه که من حکومت را وسیله برتری‌جویی خودم قرار نداده‌ام، شما نیز نباید قدرت مالی خود را وسیله سلطه بر دیگران قرار دهید که سرانجام و عاقبت نیک از آن گروهی است که نمی‌خواهند برتری‌جویی و فساد کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸۰، ۱۶).

فساد از نگاه امام علی (ع): در سیره امام علی نیز مبارزه با فساد، بویژه فساد اقتصادی در میان کارگزاران و والیان حکومتی و همچنین عموم مردم، از سیاست‌ها و برنامه‌های موکد ایشان در زمان خلافتش بود. ایشان به شدت با مفسد اقتصادی و عاملین آن‌ها مبارزه نمودند. برخورد امام با مفسدان اقتصادی برخوردی قاطع و عبرت‌آموز بود، قاطعیتی بی‌امان برای عبرت‌آموزی مسئولان و مدیران حکومتی که در هر زمان و

مکانی می‌تواند پندآموز باشد. به عنوان مثال برخورد قاطع ایشان با یکی از کارگزاران حکومتی که مرتکب مفسده اقتصادی شده بود، در نامه ۵۳ نهج البلاغه آمده که بخشی از آن در اینجا ذکر می‌گردد: «ثُمَّ أَنْظُرُ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمَلْتَهُمْ اخْتِبَارًا وَلَا تُؤَلِّمُهُمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ...». ترجمه: پس در کارهای عمال و کارگزارانت نظر و اندیشه کن، و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی به کار وادار نما (تا دیانت و راستی و درستی‌شان را نیازموده‌ای به کاری مگمار) و آنها را به میل خود و کمک به ایشان و سر خود (بی‌مشورت) به کاری نفرست، زیرا به میل و سر خود، کسی را به کاری گماشتن، گردنشانه‌ای است از شاخه‌های ستم و نادرستی (به رعیت، چون حکمران اگر سر خود، بدون مشورت و آزمایش به هوای نفس، اشخاصی را به کارهایی گماشت، خلاف عدل و داد رفتار نموده و امانت مردم را تباه ساخته است) گردانی، و داغ خیانت بر او بزنی، و ننگ. تهمت و بدنامی را (چون طوق) به گردنش نهی تا نادرستان را عبرت و پند باشد... (فیض الاسلام، ۱۳۶۸، ج ۱۰۱۳، ۵).

### شرح و تفسیر فزازی از نامه ۵۳ نهج البلاغه

این هرمه مأمور و ناظر حکومتی بر بازار اهواز می‌باشد، مرتکب خیانت اقتصادی می‌شود، امام پس از اطلاع از خیانت وی، در نامه‌ای تند و کوبنده برای فرماندار اهواز، چنین می‌نگارد، هنگامی که نامه‌ام را خواندی، این هرمه را از نظارت بازار برکنار کن و او را به مردم معرفی کن، به زندانش ببنداز و آبرویش را بریز و به همه مناطق تابعه اهواز بنویس که من علی‌بن‌ابی‌طالب چنین عقوبتی را برای او معین کردم، مبادا در مجازات او غفلت نمایی و کوتاهی کنی که نزد خدا خوار و بی‌مقدار می‌شوی و در صورت غفلت و کوتاهی، من تو را به زشت‌ترین صورت ممکن از فرمانداری اهواز برکنار می‌کنم، از خدا می‌خواهم که آن روز را نیابد (معموری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۳۸۶، ۵).

همانطور که ملاحظه می‌شود امام علی (ع) در برابر مفسدان اقتصادی موضعی کاملاً شفاف و قاطع داشتند و هیچ‌گونه مماشات و مدارا با آنها برنمی‌تابیدند، زیرا پدیده شوم فساد، آن هم از نوع اقتصادی، پیامدها و آثار ویرانگری در میان جامعه و مردم به دنبال دارد و خودش می‌تواند منشأ خیلی از آسیب‌ها و چالش‌های دیگر در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گردد و به عنوان یک مانع جدی و تأثیرگذار در اجرای احکام اقتصاد اسلامی چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، محسوب می‌شود.

بررسی عوامل بوجودآورنده فساد، آثار و پیامدهای مخرب و ویرانگر آن، گونه‌های مختلف آن، منشأ و ریشه فساد و راه‌های برون‌رفت از آن و هر نوع موضوعی که به این پدیده شوم اجتماعی و اقتصادی مرتبط است در این مجال نمی‌گنجد، به همین خاطر به همین مقدار بسنده نموده و آنچه را که در مباحث مربوط به موانع اجرای اقتصاد اسلامی در دو حوزه معرفت‌شناختی و اجرایی در جامعه اسلامی در این پژوهش مطرح گردید را در بخش مربوط به نتیجه‌گیری جمع‌بندی می‌نمایم.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات انجام شده و تحقیقات صورت گرفته در مقاله مذکور در باب آسیب‌شناسی موانع اقتصاد اسلامی، یکی از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر، بررسی موانع موجود بر سر راه اجرای احکام اقتصاد اسلامی در جامعه است که در دو بخش موانع معرفت‌شناسانه و موانع عملی ارائه شد. همانطور که در آنجا بیان گردید در حوزه معرفت‌شناسی اقتصاد دینی (اسلامی) چه در قرآن کریم و چه در سنت معصوم (ع) در باب وجود قوانین اقتصادی در متون اسلامی در حوزه نظری، نه تنها شبهه‌ای وجود ندارد، بلکه وجود قوانین مترقی و پویا در این زمینه در "قرآن و سنت" مورد تصریح قرار گرفته و ضرورت تبیین، تشریح و بهره‌مندی از آنها در امور معیشتی و زندگی مادی انسان مورد

تأکید قرار گرفته است تا به قول نویسنده کتاب اقتصادنا (شهید صدر) معلوم گردد اسلام مشتمل بر مکتبی اقتصادی است. مکتبی که با نظر اسلام در مورد عدالت اجتماعی پیوند خورده است. یعنی اقتصاد اسلامی، ربنای یک اندیشه اصولی است که می‌شود از آن به عدالت اجتماعی یاد کرد. از اینجا به سادگی می‌توان دریافت که فقدان امثال قواعد اقتصاد علمی غرب در اقتصاد اسلامی، هرگز نمی‌تواند مؤید این امر باشد که اقتصاد اسلامی یک توهم است. به عنوان مثال، اینکه در منابع اسلامی به قانون بازده نزولی یا قانون عرضه و تقاضا و موارد دیگر به شکل صریح و عیان اشاره نشده است، دلیل بر عدم وجود احکام و قوانین اقتصاد اسلامی نیست. در نتیجه در حوزه معرفت‌شناسانه، مسئله موانع اجرای احکام اقتصاد اسلامی اساساً موضوعیت نداشته و اگر در مسیر اجرای قوانین اقتصاد اسلامی موانعی هم وجود داشته باشد باید در حوزه اجرایی و عملیاتی به جستجوی آن پرداخت.

پژوهشگر در خصوص آن چنین تقریر نموده است که دانشمندان و متفکرین علوم اقتصادی در جامعه اسلامی تا چه اندازه با اصول و مبانی نظری و عملی اقتصاد دینی آشنایی دارند؟ آیا اصول و قوانین مندرج در منابع دینی در حوزه اقتصاد به شکل مبنایی مورد پذیرش علمای علم اقتصاد در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اقتصادی در سطوح حاکمیتی و مدیریتی مطرح می‌باشد؟ اعتقاد به اینکه در آموزه‌های دینی و کلام نورانی وحی، امور اقتصادی و معیشتی تعریف شده و دارای جایگاه خاص خود است، تا چه اندازه با اقبال متخصصین علوم اقتصادی روبرو گردیده است؟ اعتقاد به این که احکام و دستورات اسلامی در حوزه اقتصادی تا چه اندازه کارآمد بوده و می‌تواند جنبه عملی داشته باشد، امروزه یکی از پرچالش‌ترین موضوعات در میان صاحب‌نظران این رشته از یک طرف و دولتمردان و افکار عمومی از سوی دیگر می‌باشد. آیا مبانی نظری اقتصاد اسلامی دارای کارکرد عملی و کاربردی می‌باشد یا صرفاً در سطح توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی ظهور و بروز دارد؟ آیا می‌توان در میان عموم مردم، فرهنگ اقتصاد دینی و اسلامی را نهادینه کرد؟ این سؤالات و ده‌ها سؤال مشابه دیگر از خلأهای اصلی موانع اجرای اقتصاد اسلامی بوده که مقاله مذکور برای پاسخگویی به این پرسش‌ها و بررسی و واکاوی دقیق علمی و پژوهشی در این زمینه به رشته تحریر درآمده و نتایج مفید و مطلوبی را رقم زده است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

### فهرست منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۴). ترجمه: آیتی، عبدالمحمد. انتشارات سروش.

نهج البلاغه. (۱۳۶۸). ترجمه: فیض الاسلام اصفهانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.

بیگم امین اصفهانی، س. ن. (۱۳۹۶). مخزن العرفان. تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.

دادگر، ح. (۱۳۸۶). فساد مالی. انتشارات کانون اندیشه جوان.



- صدر، م. ب. (۱۳۶۰). اقتصادنا. ترجمه: اسپهبدی، عبدالعلی. مشهد: انتشارات جهاد سازندگی.
- علوی، س. ا.، و عربی، س. ه. (۱۳۹۲). کلیات علم اقتصاد. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گلمکانی، و.، و وکیلی، ه. (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی جنگ‌های دوران خلافت امام علی (ع). مجله شیعه شناسی.
- معموری، ش. ا.، و زندی، ف. (۱۴۰۱). تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی در ایران. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مولایی، م. (۱۳۹۴). آزادی در نظام حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه.